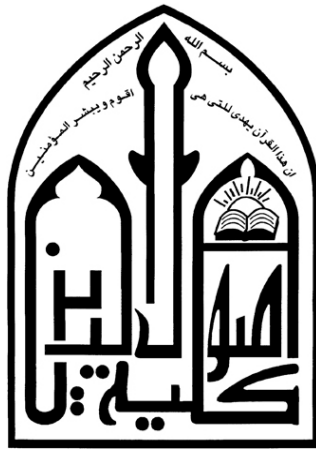


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





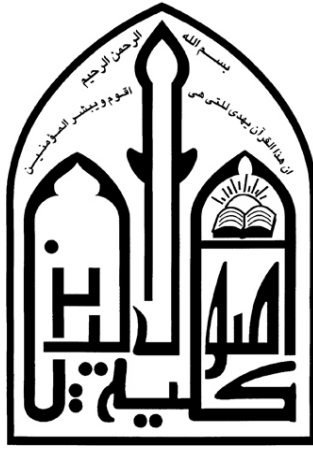
دانشکده اصول الدین - قم
گروه فقه و حقوق اسلامی
پایان نامه کارشناسی ارشد

بررسی ویژگی‌ها و شرایط عیوب روانی موجب فسخ نکاح
در فقه و حقوق موضوعه ایران

استاد راهنما
دکتر محمدحسین خلیلی

دانشجو
راضیه درزی رامندی

شهریور ۱۳۹۴



كلية اصول الدين - قم
قسم الفقه و الحقوق الاسلامی
رساله ماجستير

عنوانها

دراسة خصائص و شروط العيوب النفسیه المودیه الی فسخ النکاح
فی الفقه و القانون الوضعی فی ایران

الاستاذ المشرف

الدكتور محمد حسين خليلی

اعداد

راضیه درزی رامندی

ذی الحجه ۱۴۳۶

تقدیم به

همسر و فرزندان عزیزم

سپاس

با تشکر از تمامی اساتید بزرگووارم به ویژه استاد ارجمندم دکتر محمدحسن خلیلی که این تحقیق با کمک و راهنمایی های ایشان به سرانجام رسید و همچنین از پدر و مادرم ممنونم که دعای خیرشان همواره و در تمامی مراحل زندگی راه گشای من بوده و در پایان از صمیم قلب از همسر و فرزندانم متشکرم که در طی این تحقیق صبورانه مرا همراهی کردند و در کنارم بودند.

چکیده

عنوان این پایان نامه بررسی ویژگی ها و شرایط عیوب روانی موجب فسخ نکاح در فقه و حقوق موضوعه ایران است. در فقه شیعه از جنون به عنوان یکی از اسباب فسخ نکاح نام برده شده و در تعریف جنون عبارت فساد عقل به کار رفته است. اما امروزه در علم روان شناسی جدید سخنی از جنون به میان نیامده، بلکه بیماری های روانی را دسته بندی کرده و برای هر دسته نامی خاص انتخاب کرده اند. هدف از نگارش این پایان نامه معرفی برخی از بیماری های روانی که در علم روان پزشکی عصر حاضر از آنها بحث شده و تطبیق مشخصات و علائم آنها با جنون مورد بحث در فقه و حقوق می باشد تا مشخص شود کدام یک از اختلالات روانی عصر حاضر موجب ایجاد خیار فسخ در نکاح می شود.

این پایان نامه از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل اول کلیات مباحث مطرح می شود. در فصل دوم تعریف جنون در فقه و حقوق و همچنین انواع جنون و ملاک آن بیان می شود. آنچه از سخنان فقها و حقوقدانان نتیجه می شود این است که ملاک جنون در فقه و حقوق فساد عقل است. در ادامه، برخی از بیماری های روانی در روان پزشکی عصر حاضر مورد اشاره قرار می گیرد. اختلالات روانی که در این قسمت مطرح می شود عبارتند از «عقب ماندگی ذهنی، اختلال های دلیریوم، دمانس و فراموشی، اسکیزوفرنی، سایر اختلالات سایکوتیک، اختلالات خلقی، اختلالات شخصیت». در انتها، ملاک جنون در فقه بر علائم و مشخصه های بیماری های روانی تطبیق داده شده و بیماری هایی که در دایره جنون قرار می گیرند شناسایی شده است.

در فصل سوم، مستندات فسخ نکاح به سبب جنون بیان شده است که عبارتند از: قواعد فقهی لاضرر و لاجرح، بنای عقلا و روایات.

نتایج به دست آمده از این پژوهش آن است که در زمان حال مبتلایان به بیماری هایی چون «عقب ماندگی های ذهنی (به جز عقب ماندگی ذهنی خفیف)، اختلالات دلیریوم و دمانس، بیماری های نسیانی حاد و پایدار، اسکیزوفرنی و سایر اختلالات روانپزشکی، اختلالات شخصیت اسکیزوتیپی، ضدا اجتماعی و فردی، اختلالات خلقی» مجنون محسوب شده و حکم جنون بر آن ها بار می شود. نوع منابع مورد استفاده در این پژوهش کتب فقهی، حقوقی و روانشناسی اند.

کلیدواژگان:

بیماری روانی؛ جنون؛ فسخ نکاح؛ فقه؛ حقوق موضوعه.

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات
۱.۱	۱.۱. تبیین مسئله تحقیق
۲.۱	۲.۱. ضرورت و اهمیت مسئله تحقیق
۳.۱	۳.۱. پیشینه تحقیق
۴.۱	۴.۱. سوالات تحقیق
۵.۱	۵.۱. فرضیه تحقیق
۶.۱	۶.۱. روش تحقیق
۷.۱	۷.۱. تعریف مصطلحات
۱.۷.۱	۱.۷.۱. فسخ
۲.۷.۱	۲.۷.۱. حقوق موضوعه
۳.۷.۱	۳.۷.۱. نکاح
۴.۷.۱	۴.۷.۱. بیماری روانی
۱۰	فصل دوم: انواع بیماری های روانی از نظر فقه و حقوق و ملاک آن
۱.۲	۱.۲. جنون در فقه و حقوق
۱.۱.۲	۱.۱.۲. انواع جنون
۲.۱.۲	۲.۱.۲. ملاک جنون
۲.۲	۲.۲. بیماری های روانی در روانشناسی عصر حاضر
۱.۲.۲	۱.۲.۲. سیستم های طبقه بندی در روانشناسی
۲.۲.۲	۲.۲.۲. تعریف اختلال روانی
۳.۲.۲	۳.۲.۲. انواع اختلال های روانی
۱.۳.۲.۲	۱.۳.۲.۲. عقب ماندگی ذهنی
۲۰	اول: عقب ماندگی ذهنی خفیف
۲۰	دوم: عقب ماندگی ذهنی متوسط
۲۱	سوم: عقب ماندگی ذهنی شدید
۲۱	چهارم: عقب ماندگی ذهنی عمیق
۲.۳.۲.۲	۲.۳.۲.۲. اختلال های دلیریوم، دمانس، فراموشی
۲۲	الف: دلیریوم

۲۳	ب: زوال عقل (دمانس).....
۲۴	ج: اختلالات نسیانی
۲۴	۳.۳.۲.۲. اسکیزوفرنی (روان گسیختگی).....
۲۵	الف. علائم مشخصه
۲۵	ب. انواع اسکیزوفرنی
۲۶	۱. نوع پارانوئید (بدگمانی).....
۲۶	۲. نوع نابسامان
۲۶	۳. نوع کاتاتونیک
۲۶	۴. نوع نامتمایز
۲۶	۵. نوع باقیه‌ای
۲۶	ج. وضعیت روانی بیمار اسکیزوفرنی.....
۲۷	۴.۳.۲.۲. سایر اختلالات سایکوتیک (روانپزشانه)
۲۷	الف. اختلال اسکیزوفرنی فرم
۲۷	ب. اختلال اسکیزو افکتیو (عاطفه گسیختگی)
۲۸	ج. اختلال هذیانی
۲۸	۵.۳.۲.۲. اختلالات خلقی
۲۸	الف. افسردگی عمده
۲۹	ب. اختلال دوقطبی I
۲۹	ج. اختلال دو قطبی II
۳۰	د. سایر اختلالات خلقی
۳۰	۱. اختلال دیس تایمی (کج خلقی)
۳۰	۲. اختلال سیکلوتایمی (خلق ادواری)
۳۰	۳. سایر اختلالات افسردگی
۳۱	۶.۳.۲.۲. اختلالات شخصیت
۳۲	الف: اختلال شخصیت پارانوئید، اسکیزوئید، اسکیزوتایپال
۳۲	الف. ۱: اختلال شخصیت پارانوئید
۳۲	الف. ۲: اختلال شخصیت اسکیزوئید
۳۳	الف. ۳: اختلال شخصیت اسکیزوتایپال
۳۳	ب: چهار اختلال شخصیت ضد اجتماعی، مرزی، نمایشی، خودشیفته

۳۳	ب.۱: اختلال شخصیت ضداجتماعی
۳۳	ب.۲: اختلال شخصیت مرزی
۳۴	ب.۳: اختلال شخصیت نمایشی
۳۴	ب.۴: اختلال شخصیت خودشیفته
۳۴	ج: اختلالات شخصیت مردم‌گریز، وابسته، وسواسی، اجباری
۳۵	ج.۱: اختلال شخصیت مردم‌گریز
۳۵	ج.۲: اختلال شخصیت وابسته
۳۶	ج.۳: اختلال شخصیت وسواسی - اجباری
۳۶	۴.۲.۲. تطبیق بیماری‌های روانی با جنون
۳۶	۱.۴.۲.۲. عقب‌ماندگی ذهنی
۳۷	۲.۴.۲.۲. اختلال‌های دلیریوم، دمانس
۳۷	۳.۴.۲.۲. اختلالات نسیانی
۳۷	۴.۴.۲.۲. اسکیزوفرنی (روان‌گسیختگی)
۳۸	۵.۴.۲.۲. سایر اختلالات سایکوتیک (روان‌پریشانه)
۳۸	۶.۴.۲.۲. اختلالات شخصیت
۳۸	۷.۴.۲.۲. اختلالات خلقی
۴۰	فصل سوم: مبانی و ادله فسخ نکاح به سبب بیماری‌های روانی از نظر فقه و حقوق
۴۱	۱.۳. احکام جنون در فقه
۴۶	۲.۳. حکم جنون در حقوق
۴۸	۳.۳. دلایل فسخ نکاح به واسطه عیب جنون
۴۹	۱.۳.۳. روایات
۴۹	۱.۱.۳.۳. روایات جواز فسخ نکاح به سبب جنون زوج
۴۹	الف. روایت علی بن ابی حمزه
۵۰	ب. روایت مذکور در فقه الرضا
۵۱	۲.۱.۳.۳. روایات جواز فسخ نکاح بر اثر جنون زوجه
۵۱	الف. معتبره عبد الرحمن بن ابی عبدالله
۵۲	ب. روایت حلبی
۵۴	ج. روایت شیخ حر عاملی
۵۴	د. خبر صفوان بن یحیی

۵۴ ۲.۳.۳. اجماع
۵۵ ۳.۳.۳. بنای عقلا
۵۶ ۴.۳.۳. قواعد فقهی
۵۶ ۱.۴.۳.۳. قاعده لاضرر و لاضرار
۵۷ الف. مدرک قاعده لاضرر
۵۷ ۱. عقل
۵۷ ۲. کتاب
۵۹ ۳. سنت
۶۰ ب. معنا و مفاد قاعده لاضرر
۶۱ ۱. معنای «ضرر» و «ضرار»
۶۱ ۲. معنای «لا» در قاعده لاضرر
۶۲ اول: حمل نفی بر نفی
۶۳ دوم: نفی ضرر غیر متدارک
۶۳ سوم: نفی حکم ضرری
۶۴ چهارم: نفی حکم به لسان نفی موضوع
۶۵ ج. نفی حکم یا اثبات حکم توسط قاعده لاضرر
۷۰ د. مفهوم قاعده «لا ضرر» و «حکومت»
۷۲ ه. ابعاد تأثیر قاعده لاضرر
۷۳ و. نتیجه قاعده لاضرر
۷۴ ۲.۴.۳.۳. قاعده نفی عسر و حرج
۷۴ الف. مدارک و مستندات قاعده نفی عسر و حرج
۷۴ ۱. عقل
۷۵ ۲. اجماع
۷۵ ۳. کتاب
۷۶ ۴. سنت
۷۸ ب. مفاد قاعده نفی عسر و حرج
۷۸ ۱. معنای لغوی عسر و حرج
۸۰ ۲. معنای اصطلاحی عسر و حرج
۸۰ ج. انواع حرج

۸۳	د. حرج شخصی یا نوعی
۸۴	ه. وجه مقدم کردن قاعده لاجرح بر سایر عمومات
۸۶	و. رخصت یا عزیمت بودن نفی حرج
۸۸	ز. نتیجه قاعده نفی حرج
۸۸	۳.۴.۳.۳. قواعد لاضرر و نفی حرج و فسخ نکاح
۹۱	۳.۴.۳.۳. قاعده غرور
۹۱	الف. مستندات قاعده
۹۱	۱. سنت
۹۲	۲. بنای عقلا
۹۲	۳. اجماع
۹۳	۴. روایات خاصه
۹۵	۵. ادله قاعده تسبیب
۹۵	ب. قاعده نفی غرور و فسخ نکاح
۹۶	فصل چهارم: خلاصه و نتیجه گیری
۱۰۴	فهارس
۱۰۴	فهرست آیات
۱۰۵	فهرست احادیث
۱۰۶	اعلام
۱۰۸	کتابنامه

فصل اول: کلیات

۱.۱. تبیین مسئله تحقیق

یکی از عقود مورد بحث در اسلام، عقد نکاح است. عقد نکاح از عقود لازم است یعنی بعد از انعقاد عقد نکاح، طرفین عقد (زوجین) ملزم به اجرای آن هستند و هیچ یک حق فسخ آن را ندارند مگر در موارد اندکی که در شرع و قانون ذکر شده است.

از آنجا که عقد نکاح به بنیان جامعه یعنی خانواده مربوط است و حفظ و تحکیم خانواده در تمامی جوامع و ادیان از جمله دین اسلام دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد، تمام قوانین و مقررات وضع شده از جانب شارع و مقنن در جهت جلوگیری از انحلال عقد نکاح و از هم پاشیدن خانواده می‌باشد. با وجود این، اسلام در مواردی خاص اجازه انحلال نکاح را داده است.

از آنجا که نکاح یک قرارداد مالی نیست و از طرفی به علت اهمیت بنیان خانواده شارع و نیز قانونگذار در جهت حفظ و تثبیت خانواده قوانین سخت‌گیرانه و محدودکننده‌ای برای انحلال نکاح وضع کرده‌اند، بسیاری از خیارهایی که در قراردادهای مالی وضع شده است در نکاح مطرح نمی‌شود. فسخ نکاح به اختیار بر هم زدن نکاح به صورت یک طرفه می‌گویند که در آن زن یا مرد به اختیار خود نکاح را منحل می‌کنند و هم‌چنین می‌توانند با اختیار خود از حق فسخ خویش گذشت کنند و آن را اعمال نکنند.^۱

فسخ نکاح قواعد ویژه‌ای دارد که با قواعد فسخ در قراردادهای مالی متفاوت است. آنچه در نکاح موجب فسخ می‌شود عبارتند از: عیوب، تدلیس و تخلف از شرط صفت.

در فقه امامیه و به تبع آن در قانون مدنی از برخی از عیوب زن یا مرد به عنوان علت خیار فسخ نام برده شده است. این عیوب به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از «عیوب ویژه زن، عیوب ویژه مرد، عیوب مشترک بین زن و مرد».

طبق قانون مدنی (ماده ۱۱۲۱ ق.م) و نیز طبق فقه امامیه، جنون عیبی است که چه در مرد وجود داشته باشد و چه در زن برای طرف مقابل خیار فسخ ایجاد می‌کند.

۱. لطفی، اسدالله، حقوق خانواده، ج ۲، ص ۱۷.

آنچه که در این پایان نامه مورد بحث قرار می گیرد عیب مشترک میان زن و مرد یعنی جنون است. اما امروز در علم روانشناسی بیماری ای تحت عنوان جنون نداریم. دانشمندان علوم روانپزشکی و روانشناسی آسیب هایی را که به عقل وارد شده و سبب ایجاد اختلال در عملکرد عقل می شود به دسته های مختلف تقسیم بندی کرده اند و برای هر دسته نامی خاص گذاشته اند و نشانه ها و علائمی را برای بازشناسی آن ها معرفی کرده اند.

آنچه که ما در این پایان نامه بررسی می کنیم این است که کدام دسته از بیماری های روانی را که در عصر حاضر توسط علم روانپزشکی معرفی شده است، می توان داخل در تعریف جنون دانست و در نتیجه خیار فسخ را برای هر یک از زوجین ثابت دانست.

۲.۱. ضرورت و اهمیت مسئله تحقیق

بیماری های روانی جدید که دامنگیر جامعه شده است مشکلات بسیاری در خانواده ها ایجاد کرده است و افرادی که به این بیماری ها مبتلا می شوند آسیب های جدی به شریک زندگی خود وارد می کنند تا جایی که امکان دارد ادامه زندگی را غیرممکن سازد.

بیماری های روانی عصر حاضر دارای انواع گوناگونی است و توسط دانشمندان روانپزشکی در درجه های مختلف طبقه بندی شده است و ممکن است جنونی که در فقه امامیه و هم چنین در قانون مدنی ما به عنوان سببی برای فسخ نکاح آمده است دربرگیرنده تمام بیماری های روانی و همه درجات آن ها نباشد. اهمیت موضوع این پایان نامه در این است که شرایط بیماری روانی موجب فسخ را بررسی می کند تا از یک سو مشخص شود در چه مواردی امکان فسخ نکاح وجود دارد و از سوی دیگر روشن می شود که در چه مواردی نمی توان نکاح را فسخ کرد.

۳.۱. پیشینه تحقیق

درباره فسخ نکاح به سبب جنون به طور خاص کتابی تدوین نشده است. چندین کتاب با عنوان کلی انحلال نکاح به سبب فسخ نوشته شده است که در آنها به صورتی گذرا از مبحث جنون سخن گفته اند. در کتاب تبیین فقهی حقوقی شروط ضمن عقد ازدواج و عیوب موجب فسخ نکاح و حق حبس زوجه، نوشته دکتر سیدمهدی میرداداشی، نویسنده ابتدا به بحث در مورد عیوب موجب فسخ نکاح و حق حبس زوجه پرداخته است. سپس شروط ضمن عقد نکاح را تبیین نموده و شروط مندرج در قباله های

ازدواج را با نگاهی انتقادی مورد بررسی قرار داده است. ولی در مورد جنون به صورت گذرا بحث کرده است و سخنی از بیماری‌های روانی عصر جدید به میان نیاورده است.

کتاب *انحلال نکاح به واسطه عیب (مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۵ قانون مدنی)* نوشته خانم‌ها زهرا راستی و اکرم اسماعیلی نیز به طور کلی به تمام عیوب موجب انحلال نکاح پرداخته و از عیب جنون در چند صفحه به طور کلی بحث کرده است.

در خصوص موضوع این پایان‌نامه، پایان‌نامه خاصی تدوین نشده است. البته پایان‌نامه‌هایی با موضوع کلی نکاح و فسخ نکاح تدوین شده است، از جمله «احکام فسخ نکاح و آثار آن در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران» نوشته «حسین نتاج» در سال ۱۳۸۰ با راهنمایی استاد علی محمد مکرمی، از دانشگاه آزاد. در این پایان‌نامه نیز به صورت کلی از ماهیت فسخ نکاح و احکام آن و تمام عیوب مختص و مشترک موجب فسخ نکاح بحث شده است.

مقالاتی در مورد فسخ نکاح و اثر جنون در انحلال نکاح منتشر شده است که در آن‌ها بیشتر به بیان تعریف جنون در فقه و حقوق و دلایل و مستندات فقها برای این که جنون را جزء اسباب فسخ نکاح بر شمرده‌اند سخن گفته شده است.

در مقاله «طبقه بندی بیماران روانی و احکام آنان از دیدگاه محقق نراقی»، نوشته حسین علی آذربادگان، ضمن معرفی اختلالات روانی عصر حاضر و تطبیق آنها بر جنون و مشخص کردن برخی از بیماری‌های روانی عصر حاضر که می‌توان آنها را در دایره جنون قرارداد به بیان احکام کلی جنون و سفیه از دیدگاه محقق نراقی پرداخته شده است. در این مقاله به بحث از احکام مجنون به طور کلی در نظر محقق نراقی پرداخته شده است در حالی که ما از حکم جنون صرفاً در فسخ نکاح و از دید فقه و قانون مدنی سخن می‌گوییم.

۴.۱. سوالات تحقیق

سوال اصلی: بیماری‌های روانی که موجب فسخ نکاح می‌شوند کدامند و ملاک‌های آن از نظر فقه و حقوق چیست؟
سوالات فرعی:

۱. بیماری‌های روانی که موجب ایجاد خیار فسخ در نکاح می‌شوند کدامند؟

۲. مبانی و ادله ای که در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران برای فسخ نکاح به سبب بیماری های روانی بیان شده کدامند؟

۵.۱. فرضیه تحقیق

۱. از بین بیماری های روانی عصر جدید بیماری هایی همچون اسکیزوفرنی، عقب ماندگی ذهنی شدید و عمیق و نیز بیماری دوقطبی در زیرمجموعه تعریف جنون قرار می گیرند.

۲. در صورتی که فردی مبتلا به هریک از بیماری های داخل در جنون باشد همسرش خیار فسخ پیدا می کند.

۶.۱. روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه ای با رویکرد توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. از یک سو، دیدگاه های فقهی و حقوقی درباره تعریف و حکم جنون و دلایل آن با مراجعه به آثار فقهی و حقوقی و از سوی دیگر انواع اختلالات و بیماری های روانی و نشانه ها و آثار آنها از دیدگاه روانپزشکی به روش کتابخانه ای گزارش و توصیف شده است و در نهایت با تحلیل این دیدگاه ها حکم بیماری های روانی مشخص شده است.

۷.۱. تعریف مصطلحات

در این قسمت به ارائه تعریفی کلی از واژه هایی که در عنوان پایان نامه آمده است می پردازیم.

۱.۷.۱. فسخ

فسخ در لغت به معنای «نقض، زائل گردانیدن، تباه کردن، شکستن، ویران ساختن، از هم جدا کردن و برانداختن» است.^۱

اما فسخ در اصطلاح فقه و حقوق از عوامل انحلال ارادی قرارداد و یکی از اسباب از بین رفتن تعهدات می باشد. در اصطلاح فقهی فسخ عبارتست از:

انحلال عقد بواسطه عروض مانع از قبیل عیوب زنان یا مردان در عقد نکاح^۲

همچنین در فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی^۳ در تعریف فسخ آمده است:

۱. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۲، ص ۲۱۲۲.

۲. مختاری مازندرانی، محمدحسین و مرادی، علی اصغر، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ص ۱۴۰.

۳. جابری عربلو، محسن، فرهنگ اصلاحات فقه اسلامی (در باب معاملات)، ص ۱۳۷.

شرعاً به معنی رفع عقد است به همان وصف و کیفیتی که قبلاً بوده بدون زیاده و نقصان ۱ و به عبارت دیگر غرض از فسخ عقد نقض و بهم زدن آن است.^۲

فسخ در حقوق عبارت از:

ایقاعی است از ایقاعات که اثر عقد معین یا ایقاع معین را از بین برده و به حالت زمان حدوث عقد یا ایقاع برمی گرداند. انحلال عقد یا ایقاع از طریق فسخ به دست یکی از متقادین (در عقود) و یا ایقاع کننده است. فسخ یکی از اسباب سقوط تعهدات است.^۳

همچنین آقای شهیدی در تعریف فسخ می گوید:

از نظر حقوقی فسخ عبارت است از پایان دادن به هستی حقوقی قرارداد به وسیله یکی از طرفین قرارداد یا شخص ثالث.^۴

۱.۱.۷.۱. تفاوت بین طلاق و فسخ نکاح

الف: طلاق دارای صیغه خاصی است ولی در فسخ صیغه ای وجود ندارد.

ب: صحت طلاق مشروط است به وجود شرایط خاص در زن که عبارت است از این که زن باید در «طهر بدون مواقعه» باشد اما در فسخ شرایط خاصی مطرح نشده است.

ج: در طلاق حضور دو شاهد عادل لازم است ولی در فسخ حضور شاهد لازم نیست.

د: فسخ جزء طلاق های سه گانه محسوب نمی شود. یعنی اگر بعد از فسخ مرد مجدداً با زن ازدواج کند سپس او را طلاق دهد فسخ ابتدایی طلاق محسوب نمیشود تا اگر مرد خواست مجدداً با زن ازدواج کند نیازمند محلل باشد.

ه: در تمام موارد طلاق، اگر طلاق قبل از نزدیکی رخ دهد نصف مهریه به زن تعلق می گیرد ولی در فسخ اگر قبل از نزدیکی رخ دهد چیزی از مهریه به زن تعلق نمی گیرد، مگر در مورد فسخی که به علت بیماری عنن باشد که در این صورت نصف مهریه به زن می رسد.^۵

۱. التهانوی الخنقی، محمد اعلی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۱۰۶.

۲. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۴۰۰؛ القیومی المقری، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۴۴.

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۵۰۲.

۴. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، ص ۲۰۲.

۵. قارویی، حسن، النضید، ج ۲۱، ص ۲۴۷.

۲.۷.۱. حقوق موضوعه

در ترمینولوژی حقوق، حقوق موضوعه همان حق تحقیقی معرفی شده که عبارت است از: حقی که دارای ضمانت اجرا باشد. این اصطلاح در مقابل حقوق طبیعی و فطری به کار می‌رود.^۱

۳.۷.۱. نکاح

نکاح را از سه جهت می‌توان تعریف کرد:

۱.۳.۷.۱. نکاح در لغت

نکاح مصدر ثلاثی غیر قیاسی از ریشه نکح ینکح می‌باشد. برای نکاح در لغت معانی متفاوتی آورده شده است. برخی آن را به معنای تقابل عنوان کرده‌اند.^۲ و برخی گفته‌اند نکاح در لغت به معنی ضم (پیوستن)^۳ می‌باشد. در الصحاح در تعریف نکاح آمده است: «النکاح، الوطی، و قدیکون العقد، تقول نکحتها و نکحت هی، آی تروحت».^۴

۲.۳.۷.۱. نکاح در فقه

نکاح در اصطلاح شرع عبارت است از «عقد مخصوصی که سبب محرمیت بین زن و مرد می‌شود. این کلمه مجازاً به دخول نیز اطلاق می‌شود».^۵

در فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی^۶ در تعریف نکاح آمده است:

نکاح در لغت بنابر مشهور وطی است. پس استعمال آن در عقد و تزویج مجاز خواهد بود و به قول بعضی حقیقت در عقد است از جهت کثرت استعمال آن در عقد ... مشهور آن است که نکاح در لغت حقیقت در و طی است و نیز مشهور آن است که در شرع حقیقت در عقد است.^۷ پس می‌توان گفت نکاح عقدی است که متضمن اباحه وطی باشد^۸ و یا عقدی است که مورد آن تملیک منفعت بضع است.^۹

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۳۹.

۲. محقق داماد، مصطفی، حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، ص ۲۱.

۳. صفایی، سیدحسین و امام، اسدالله، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق)، ج ۱، ص ۱۳.

۴. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۱، ص ۴۱۳.

۵. مختاری مازندرانی، محمدحسین و مرادی، علی اصغر، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ص ۱۸۹.

۶. جابری عربلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی (در باب معاملات)، ص ۱۷۵ - ۱۷۴.

۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۵.

۸. الشریینی، محمدالخطیب، مغنی المحتاج الی معرفة الفاظ المنهاج، ج ۳، ص ۱۲۳.

۹. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، ص ۲۴۶.

۳.۳.۷.۱. نکاح در حقوق

در قانون مدنی ما از نکاح هیچ تعریفی ارائه نشده است اما حقوقدانان تعاریفی بعضاً متفاوت از نکاح ارائه کرده‌اند.

محمدجعفر جعفری لنگرودی در تعریف نکاح می‌گوید:

عقدی است که به موجب آن مرد و زن لااقل بر نفی محرومیت جنسی (مانند نکاح منقطع احیاناً) یا علاوه بر آن، نفی محرومیت بمنظور تشکیل خانواده و زندگی مشترک خانوادگی (مانند مورد نکاح دائم) قانوناً با هم متحد می‌شوند. قانون مدنی تعریفی از نکاح ارائه نکرده است. در همین اصطلاح، ازدواج و زناشویی استعمال می‌شود.^۱

محقق داماد نیز در تعریف نکاح می‌گوید:

نکاح رابطه‌ای است حقوقی، عاطفی که بوسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند. و مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است.^۲

کاتوزیان در تعریف نکاح می‌گوید:

نکاح عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با هم متحد می‌شوند.^۳

سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی^۴ هم تعریفی با مضمون تعریف دکتر کاتوزیان ارائه کرده‌اند.

۴.۷.۱. بیماری روانی

بیماری روانی یا به عبارتی اختلال روانی عبارتست از:

هر یک از اختلال‌های روانی به صورت نشانگان یا الگوی رفتاری یا روانی دارای اهمیت بالینی تصور شده است که در فرد رخ می‌دهد و با ناراحتی فعلی او (نشانه دردناک) یا ناتوانی او (اختلال در یک یا چند زمینه عملکرد) یا افزایش خطر تحمل مرگ، درد، معلولیت، از دست دادن مهم آزادی در ارتباط است. علاوه بر این، نشانگان یا الگو نباید صرفاً یک پاسخ قابل پیش‌بینی و از نظر فرهنگی مجازات‌شده به یک رویداد خاص باشد، مثل مرگ فردی دوست داشتنی. علت اصلی آن هر چه باشد فعلاً باید آن را

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۲۱.

۲. محقق داماد، مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، ص ۲۲.

۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، ج ۱، ص ۲۰.

۴. صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق)، ج ۱، ص ۱۳.

تجلی کژکاری رفتاری، روانی یا زیستی در فرد دانست. رفتار منحرف مثل رفتار سیاسی، مذهبی، یا جنسی و تعارض‌هایی که عمدتاً بین فرد و جامعه ایجاد می‌شوند اختلال روانی نیستند. مگر اینکه این انحراف یا تعارض نشانه‌ای از کژکاری در فرد به صورتی که در فوق شرح داده شده باشد.^۱

۱. روزنهان، دیوید ال و سلیگمن، مارتین ای. پی، آسیب‌شناسی روانی، ترجمه سید محمدی، یحیی، ج ۱، ص ۲۷۵.